

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۱۱/۰۵/۰۹

بی حیای چشم پاره

ای امیر حزب اخوان الشیاطین ، گلبدین
لعنت الله عابدی را کرده ای چون اسپ ، زین
راکت و خمپاره ها را ، بهر تخریب وطن
بار بر دوش و به پشتش ، از یسار از یمین
چکه و نوشادر و قمچین و اخ اخ چو کنان
می دوانی هرطرف، این بی حیا را خشمگین
مولتی ملیونر شده از بس دویده هرطرف
فعل بد ، سرمایه دادش ، آسمان و از زمین
صحنه سازی کرده ، در تلویزیونها می چرد
پهلوی زهره ، گهی عباسی لشم چخین
آپه پیجویی که معنا کرد (لهجه) ، (واژه) را
نام (شادولا) نثارش ، از سواد اینچنین
در دفاع از عابدی ، آن آپه پیجو بیسواد
با فلنگ و چال سنگل باختن دارد یقین
ای که مشیت و مال و چاپی ، دمبدم بر عابدی

از سرِ اخلاص میدادی ، حضورِ آن و این
 تا تلیفون آمد و ، قدری حقیقت شد بیان
 با فضولی قطع کرد و چهره شد سرخ و خشین
 گر چه از فعلِ بدِ وی ، گشت عالم باخبر
 بی حیای چشم پاره ، نی خجل شدنی حزین
 گلبدین و عابدی ، همچون سگ زرد و شغال
 کرگس و کلمرغ و هم ، هردو چو مارِ آستین
 میکند تبلیغِ کیشِ پَسخَرابان را ، عیان
 تا به دام آرند ، مردم را ، به کیشِ ماکرین
 حیفِ دشنامی که گردد ، بر نثارِ عابدی
 زانکه هم پسمانده خورِ گلبدین و خوجنین
 او ز دلاکی ، مقامِ کیسه مالی کسب کرد
 حال هم دلال مفعولین و هم از فاعلین
 طاقتِ فرسای او لازم که از بهرِ ثواب
 گنبدِ درزیده اش را ، صد هزاران آفرین
 حال میخواهد بیاید ، در برِ (سیمین لچر)
 صیغه بازی کرده سازد ، فیلمهای بس نوین
 دخترِ (فیلم لچر) ، در عقدِ (بدماش خطر)
 زاده از این اقتران گردد به هردو ، جانشین
 چهره چون اسامه لادن ، پیکرش چون انگلیس
 جامه چون اسلام و اعمالش چو ابلیس لعین
 درهم و برهم چرا ؟ دین و سیاست را به هم
 نوشِ جان دارند حلوا را همیشه با چمین
 دالِ پاکستان و ماش و آشِ ایران ، زهر جان
 زانکه خشتکیار و خشتکغار دایم در کمین
 دشمنی با دولت و ، با ملت و ، مادر وطن
 گلبدین را سه برابر کرده اشکم ، با سُرین
 در قره باغی که غزنی راست ، فخر و افتخار
 وای از فعلِ بدش ، قومِ خروطِ آرمگین

دشتِ ارچیّ امامِ جان ، ننگِ میدارد ازو
کندز و بغلان ، پلِ تخنیکِ کابل ، همچنین
کیفرِ اعمالِ (أسامه بن لادن) چه شد
میرسد نوبتِ ترا هم ، چند روز بعد ازین
(عابدی) ! آدم شو و (تَه پارگی) دیگر مکن
خامه «نعمت» به سر وقتت رسد هر آن و حین

تذکر:

در ارتباط با مصاحبه آقای عابدی در تلویزیون "پیام افغان" سروده شد.
"چکه" مراد از "خرچکه" است